**ملا محمد ساروی**

**طاهری شهاب،**

ملا محمد فرزند محمد تقی ساروی از ادبا و منشیان زبردست زمان آقا محمد خان سرسلسلهء قاجاریه میباشد که بعد از میرزا مهدیخان استرابادی مورخ و نویسندهء کتابهای دره نادری و جهانگشای نادری دنبالهء کار او را گرفته و تاریخی بنام«تاریخ محمدی»در شرح سلسلهء قاجار از فتحعلیخان تا حوادث سال 1216 هجری قمری را با نثری تا اندازه‏ای روان بطور سنوایی‏ نوشته‏اند.مؤلفین بعد از او مانند هدایت در تنظیم تتمهء روضة الصفا و سپهر نویسندهء تاریخ قاجار و دیگران،با وصف آنکه عمده استنادات و مراجع ایشان از تاریخ محمدی است حق وی بدقت‏ ملاحظه شود معلوم میگردد که عین مطالب ملا محمد را بدون ذکر مأخذ در تألیفات خود ثبت‏ نموده‏اند.از تاریخ محمدی تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد سه نسخه در ایران میباشد یکی در کتابخانهء سلطنتی و دیگری در کتابخانهء مجلس شورای ملی و سومی در کتابخانهء نویسندهء این‏ سطور است(1).ملا محمد بطوریکه خود مینویسد تاریخ محمدی را برحسب فرمان آقا محمد خان‏ برشتهء نگارش درآورده و حوادث تاریخی ایران را با نهایت دقت و امانت تا سال 1216 تدوین‏ نموده است.باوجودآنکه مطالب کتاب او را هدایت و سپهر در تواریخ خود آورده‏اند بازهم‏ مطالبی در اصل کتاب تاریخ محمدی است که در سایر مراجع مذکور نگردیده و بکر و تازگی دارد و از مدارک معتبر دست‏نخوردهء ابتدای تشکیل دولت قاجاریه میباشد.ملا محمد قصد داشت‏ کتاب دیگری در حوادث سلطنت فتحلیشاه بنویسد ولی عمرش کفاف نداد و این آرزو صورت‏ عمل بخود نگرفت.از شرح زندگی ملا محمد بجز اینکه او در دستگاه آقا محمد خان سمت‏ منشیگری و وقایع‏نگاری را داشته و در تمام جنگها و مسافرتها همراه وی بوده است چندان‏ اطلاعی در دست نیست.درضمن حوادث سال 1199 هـ.او خود چنین مینویسد:«در یازدهم‏ محرم سال 1199 بامر آقا محمد خان از ساری جهت احضار سرکردگان سوادکوهی و تسلیم‏ لطفعلی بیک داد و حاکم سوادکوه مأموریت یافته و از«زیر آب»به«شیر دره»رفت و گروهی از ریش‏سفیدان و کدخدایان را با خود از سوادکوه بساری برد».

ملا محمد علاوه بر تسلطی که در نگارش نثری روان داشت در(؟؟؟)نظم هم قادر بوده است‏ و بمناسبت پاره‏ای از آثار منظوم خود را در تلو تاریخ محمدی ثبت کرده است و بغیر از آنچه را که او در تاریخ خود آورده مقدار قلیلی هم از اشعار او را رضا قلیخان هدایت دو جلد دوم‏ مجمع‏الفصحا و شاهزاده محمود میرزا در تذکرهء مجمع محمود یادداشت کرده‏اند.هدایت در بارهء او مینویسد:

از طلاب علوم دینیه و در عصر آقا محمد خان قاجار مکانتی یافته و تاریخی در آن دولت‏ (1)-یک نسخهء دیگر هم از تاریخ محمدی در کتابخانهء آستان قدس رضوی میباشد.

نوشته بنام تاریخ محمدی و گاهگاهی بر(؟؟؟)تفنن شعری میسروده.و سپس سه بیت از اشعارش‏ را ثبت نموده است.

صاحب کتاب منتظم ناصری(محمد حسنخان اعتماد السلطنه)در جلد سوم کتابش اشاره‏ای‏ بتاریخ محمدی نوشتهء ملا محمد نموده و میگوید،که او بفرمان عباس میرزا نایب السلطنه‏ مأمور تدوین تاریخی در شرح زندگی فتحلیشاه از وقایع سال 1217 هـ.میشود،ولی از تاریخ‏ اخیرالذکر نام و نشانی در کتابخانه‏های ایران و خارج بدست نیامد.محمود میرزا مینویسد؛ از افاضل و نحریر روزگار بوده اصل آنجناب از ساری مازندران،در حضرت خاقان شهید سعید آقا محمد شاه قاجار بمنصب منادمت و ملاباشیگری از اماثل و اقران برتر و مهمتر،هم بامر پادشاه‏ ذیجاه غزوات و محاربات و وقوعات آن عهد فرخنده را مورخ تاریخی در کیفیت احوال آن‏ پادشاه ترتیب مسمی بتاریخ محمدی از قرار فرمایش شهنشاه عالم خاقان ایام روحی فداه بر این‏ گمنام نافرجام مشارالیه در ایراد لطایف و اجرای ظرایف و خواندن اشعار مناسب و گفتن‏ بدیهه در موقع فریددهر بوده ابیاتش معدوم گشته این چند بیت از او بخط قبلهء عالم روحی فداه‏ بوده که این رهی فراگرفته و در این سفینه ثبت نمود.در تعریف سپر گوید:

زرین سپری که یار فرزانه گرفت‏ ماهیست که آفتاب بر شانه گرفت

\*\*

چشم تو از چشم خوابم میبرد زلفت از دل صبر و تابم میبرد گریه‏هائی کز فراقت میکنم‏ عاقبت دانم که آبم میبرد

\*\*

راز دل ما نمیشود فاش‏ تا لاله نروید از گل ما

محمد علی شریفی‏ بی‏نیازی

شنیدم نوجوانی شوخ و سرمست‏ ببازی داد بازوی خود از دست‏ کمر را گرچه خم میکرد این درد ولی او خم بر ابرویش نیاورد باو گفتند یاران صفا کیش‏ که ای در دوستی بیگانه از خویش‏ تو با این درد جانسوزی که داری‏ به تنگ آمد ز دستت بردباری‏ عجب باشد که با این درد جانکاه‏ کسی نشنید از تو ناله و آه‏ بگفتا گرچه بازوئی ندارم‏ ز کوته‏دستی خود شرمسارم‏ ولی خورسند و دلشادم که زین پس‏ نگیرد زیر بازوی مرا کس

تهران جمعه 6 مرداد 1346